



انجمن نوردکاران فولادی ایران (انفا)
Iranian Steel Rolling Association

حاکمیت شرکتی چیست؟

حاکمیت شرکتی سیستم یا ساختاری از قوانین، رویه‌ها و مقرراتی است که توسط آن‌ها شرکت هدایت و کنترل می‌شود. اساساً، حاکمیت (راهبری) شرکتی منافع ذی‌نفعان یک شرکت را متوازن می‌کند. ذی‌نفعان به افرادی اطلاق می‌شوند که به شرکت علاقه دارند و تحت تأثیر کسب‌وکار قرار می‌گیرند که شامل سهامداران شرکت، کارکنان، مشتریان، تأمین‌کنندگان، تأمین‌کنندگان مالی، دولت و جامعه می‌باشند. هیئت مدیره، حاکمیت شرکتی را مدیریت می‌کند و مسئولیت همه شرایط شرکت را بر عهده دارد. این مفهوم به معنای انجام کسب و کار مطابق میل ذی‌نفعان است که در واقع توسط هیئت مدیره و کمیته‌های مربوطه به نفع ذی‌نفعان شرکت انجام می‌شود. به طور کلی، این مفهوم در مورد ایجاد تعادل بین اهداف فردی و اجتماعی و همچنین اهداف اقتصادی و اجتماعی است.

مفهوم حاکمیت شرکتی راه‌هایی را برای اتخاذ تصمیمات استراتژیک مؤثر تعیین می‌کند و اختیارات نهایی و مسئولیت کامل را به هیئت مدیره می‌دهد. در اقتصاد بازار محور امروز، جهت ایجاد ارزش افزوده برای ذی‌نفعان، نیاز به این امر مطرح می‌شود. همچنین، کارایی و جهانی شدن عوامل مهم و مشوق این موضوع هستند.

نقش حاکمیت شرکتی در سازمان:

تعامل بین شرکای مختلف (سهامداران، هیئت مدیره و مدیریت شرکت) باید به سمت شکل دادن به عملکرد شرکت پیش رود. رابطه بین مالکان و مدیران در یک سازمان باید سالم باشد و هیچ تعارضی بین این دو وجود نداشته باشد. مالکان باید ببینند که عملکرد واقعی افراد مطابق با عملکرد استاندارد است. این ابعاد حاکمیت شرکتی را نباید نادیده گرفت.

از سویی، راهبری شرکتی شفافیت را تضمین می‌کند که خود توسعه اقتصادی قوی و متوازن را تضمین می‌کند. به علاوه، از منافع همه سهامداران (سهامداران اکثریت و همچنین سهامداران اقلیت) محافظت می‌کند. به گونه‌ای که همه سهامداران به طور کامل از حقوق خود استفاده می‌کنند و سازمان به طور کامل حقوق آنها را به رسمیت می‌شناسد. راهبری شرکتی دامنه وسیعی شامل دو جنبه اجتماعی و نهادی دارد و مشوق ایجاد محیطی قابل اعتماد، اخلاقی و همچنین معنوی است.

اکثر شرکت‌ها تلاش می‌کنند تا سطح بالایی از حاکمیت شرکتی داشته باشند. برای بسیاری از سهامداران، صرفاً سودآور بودن یک شرکت کافی نیست؛ بلکه نیاز آگاهی زیست محیطی، رفتار اخلاقی و شیوه‌های صحیح حاکمیتی نیز از اهمیت به‌سزایی برخوردار است.

نکات کلیدی در خصوص راهبری شرکتی:

- حاکمیت شرکتی ساختار قوانین، روش‌ها و فرآیندهایی است که برای هدایت و مدیریت یک شرکت استفاده می‌شود.
- هیئت مدیره یک شرکت، نیروی اصلی تأثیرگذار بر راهبری شرکتی است.
- راهبری شرکتی بد می‌تواند عملکرد یک شرکت و سود نهایی آن را به شک و تردید بیندازد.
- راهبری شرکتی شامل حوزه‌های شناخت محیطی، رفتار اخلاقی، استراتژی شرکت، جبران خسارت و مدیریت ریسک است.
- دامنه کارکردی حاکمیت شرکتی عبارتند از: پاسخگویی، شفافیت، عدالت، استقلال و رعایت قوانین.
- چهار P راهبری شرکتی عبارتند از افراد (People)، فرآیند (Process)، عملکرد (Performance) و هدف (Purpose).

دلایل افزایش اهمیت حاکمیت شرکتی:

- تعداد فزاینده کلاهبرداری‌ها

اختلاس و سوء استفاده از پول عمومی در همه جا مانند بازار سهام، بانکها، موسسات مالی، شرکتها و ادارات دولتی اتفاق می افتد. برای جلوگیری از این بی نظمی های مالی، شرکتها باید استفاده از حاکمیت شرکتی را آغاز کنند.

• تصاحب و ادغام

در دنیای تجارت، تصاحبها و ادغامهای زیادی در حال انجام است؛ برای حفظ منافع همه طرفین در هنگام تصاحب و ادغام، به حاکمیت شرکتی نیاز است.

• مطابقت با الزامات بورسی

الزامات تدوین شده از سوی سازمان بورس اوراق بهادار، حاکمیت شرکتی را برای شرکتها اجباری کرده است. به عبارت دیگر، شرکتهای پذیرفته شده در بورس، باید این الزامات و مقررات را رعایت کنند. این الزامات از منافع سرمایه گذاران و سایر ذی نفعان محافظت می کند. اگر هر شرکتی قوانین مذکور را رعایت نکند، جریمه خواهد شد.

• ضرورت مسئولیت اجتماعی

امروزه به مسئولیت اجتماعی اهمیت زیادی داده می شود. هیئت مدیره باید از حقوق مشتریان، کارکنان، سهامداران، تأمین کنندگان، جوامع محلی، دولت و غیره محافظت کند. این امر تنها در صورتی امکان پذیر است که آنها از حاکمیت شرکتی استفاده کنند.

مزایای حاکمیت شرکتی

۱- صداقت و شفافیت به ارمغان می آورد:

حاکمیت شرکتی برای ترویج نظارت صادقانه و شفاف بر هر فعالیت شرکت مهم است. این امر به شرکت کمک می کند تا قوانین و استانداردهای خود را حفظ کند. به علاوه، به آموزش و توسعه مدیران کمک می کند تا بتوانند در فرآیند تصمیم گیری عملکرد خوبی داشته باشند.

۲- دسترسی به سرمایه‌های خارجی

سرمایه خارجی به معنای دریافت سرمایه از سرمایه‌گذار کشورهای خارجی است. بازارهای سرمایه خارجی نیاز به استانداردهای بالایی برای کارایی و شفافیت شرکت دارند. حاکمیت شرکتی خوب برای ایجاد کارایی و شفافیت مهم است و به نقش‌آفرینان در بازار جهانی کمک می‌کند تا اعتبار و اعتماد کسب کنند.

۳- حمایت از حقوق سرمایه‌گذار

هر سرمایه‌گذار می‌خواهد حقوقش از سوی شرکت‌ها محافظت شود. ایجاد حاکمیت شرکتی با بهبود کارایی می‌تواند از منافع سرمایه‌گذاران در شرکت‌های بزرگ محافظت کند.

۵- عدالت در پاسخگویی و گزارشگری مالی

گزارشگری مالی نتایج مالی یک شرکت است که در اختیار ذی‌نفعان و عموم مردم قرار می‌گیرد. حاکمیت شرکتی گزارشگری مالی سالم، شفاف و معتبر را تضمین می‌کند. همچنین باعث پاسخگویی (مسئولیت) کارکنان و مدیران در قبال کارشان می‌شود تا اثربخشی آن‌ها افزایش یابد.

۶- بهبود ارتباط با سهامداران

ارتباطات سهامداران به حق رأی ایشان در فرآیند تصمیم‌گیری اشاره دارد. این امر یکی از راه‌هایی است که در آن سرمایه‌گذاران می‌توانند با شرکت‌ها ارتباط برقرار کنند. حاکمیت شرکتی برای ایجاد حق ارتباط با سهامداران مهم است.

۷- افزایش حسن نیت و شهرت بازار

حاکمیت شرکتی برای افزایش حسن نیت و شهرت بازار، حفاظت از حقوق، کارایی یک شرکت، تصمیمات درست و غیره را تضمین می‌کند.

۸- بالا رفتن ارزش شرکت

بهبود مدیریت، پاسخگویی، شهرت خوب بازار و شفافیت نیاز و اعتماد سرمایه‌گذار به شرکت را برآورده می‌کند. این موضوع باعث افزایش ارزش شرکت در بازار می‌شود.

اصول اساسی حاکمیت شرکتی

برتری سهامداران

شاید یکی از مهمترین اصول حاکمیت شرکتی، شناخت سهامداران باشد. این شناخت دو جنبه دارد. (۱) شناخت پایه‌ای و اولیه از اهمیت سهامداران (افرادی که سهام شرکت را خریداری می‌کنند).

(۲) شناخت ناشی از پیروی از اصل مسئولیت‌پذیری در قبال سهامداران.

سیاست اجازه دادن به سهامداران برای انتخاب هیئت مدیره حیاتی است. «دستورالعمل اصلی» هیئت مدیره این است که همیشه به دنبال بهترین بازده برای سهامداران باشد. هیئت مدیره مدیرانی را استخدام و بر آنها نظارت می‌کند تا تیمی را تشکیل دهند و عملیات روزانه شرکت را مدیریت می‌کنند. این بدان معناست که سهامداران، به طور مؤثر، در مورد نحوه اداره یک شرکت، نظر مستقیم دارند.

شفافیت

منافع سهامداران بخش عمده‌ای از حاکمیت شرکتی است. سهامداران ممکن است با اعضای جامعه‌ای ارتباط برقرار کنند که لزوماً علاقه‌ای به خود شرکت ندارند با این حال می‌توانند از محصولات یا خدمات آن بهره‌مند شوند.

برقراری ارتباط با اعضای جامعه، خطوط ارتباطی را فراهم می‌سازد که شفافیت را در شرکت ترویج می‌دهد. این بدان معنی است که همه اعضای جامعه (آنهايي که به طور مستقیم یا غیرمستقیم تحت تأثیر شرکت قرار می‌گیرند) و اصحاب رسانه درک روشنی از اهداف، تاکتیک‌ها، و نحوه عملکرد شرکت به طور کلی دارند.

شفافیت به این معناست که هر کسی، چه در داخل یا خارج از شرکت، می‌تواند در صورت تمایل، که اقدامات شرکت را بررسی و تأیید کند. این امر اعتماد را تقویت می‌کند و احتمالاً افراد بیشتری را تشویق می‌کند تا از شرکت حمایت کنند و احتمالاً سهامدار شوند.

امنیت

یکی از جنبه‌های مهم حاکمیت شرکتی امنیت است. سهامداران، کاربران و مشتریان باید مطمئن باشند که اطلاعات شخصی آنها توسط کاربران غیرمجاز فاش نشده یا به آنها دسترسی پیدا نخواهد شد. این موضوع به اندازه محرمانه بودن فرآیندهای اختصاصی و اسرار تجاری شرکت مهم است.

درز اطلاعات به بیرون فقط هزینه‌بر نیست. بلکه اعتماد عمومی به شرکت را تضعیف می‌کند و می‌تواند تأثیر منفی شدیدی بر قیمت سهام آن داشته باشد. از دست دادن اعتماد سرمایه‌گذار به معنای از دست دادن دسترسی به سرمایه‌ای است که برای رشد شرکت ضروری است.

همه افراد در یک شرکت، از کارکنان سطح پایین گرفته تا اعضای هیئت مدیره، باید از رویه‌های امنیتی سازمانی مانند رمزهای عبور و روش‌های احراز هویت آگاه باشند.

دامنه کارکردی راهبری شرکتی:

۱- پاسخگویی

پاسخگویی به معنای شرایطی است که در آن هر شخصی مسئول است و باید دلیل قانع‌کننده‌ای برای اشتباه‌های احتمالی خود در کار ارائه دهد. حاکمیت شرکتی باعث مسئولیت‌پذیری می‌شود.

- پاسخگویی تضمین می‌کند که مدیریت کاری یعنی مدیران و کارکنان در مقابل هیئت مدیره مسئول هستند.
- پاسخگویی تضمین می‌کند که در صورت وقوع هر اتفاق ناگواری، هیئت مدیره در برابر سهامداران پاسخگو است.

۲- عدالت

- حاکمیت شرکتی از حقوق سهامداران حفاظت می‌کند.
- با تمام سهامداران (چه سهام اکثریت یا اقلیت) به طور مساوی رفتار می‌شود.
- برای هر گونه تخلف، جبران خسارت مؤثری را ارائه می‌دهد.

۳- شفافیت

راهبری شرکتی موجب حصول اطمینان از افشای به موقع و دقیق اطلاعات در مورد تمام موضوعات مهم شرکت از جمله وضعیت مالی، عملکرد و مالکیتی می‌شود.

۴- استقلال

رویه‌ها، قوانین و ساختارهایی برای به حداقل رساندن یا اجتناب از تضاد منافع تدوین و پیاده‌سازی می‌شود.

۵- رعایت قوانین

- انطباق با قانون تجارت و تمامی قوانین و مقررات کسب و کاری را تضمین می‌کند.
- راهبری شرکتی برای برآورده کردن الزامات سازمان بورس و اوراق بهادار در شرکت‌های بورسی ضروری است

مدیریت تعارض در حاکمیت شرکتی:

یکی از اهداف این مفهوم، اجرای یک سیستم کنترل و تعادل است که تضاد منافع را به حداقل برساند. تضادها معمولاً زمانی به وجود می‌آیند که دو طرف درگیر نظرات متضادی در مورد نحوه انجام کسب و کار داشته باشند. از آنجایی که هیئت مدیره معمولاً ترکیبی از اعضای درگیر داخلی و خارجی است، حاکمیت شرکتی روشی غیرمغرضانه برای نزدیک شدن به تعارض است.

زمانی که مدیران اجرایی با سهامداران موافق نباشند، تضادها ممکن است رخ دهد. به عنوان مثال، سهامداران معمولاً می‌خواهند صرفاً به دنبال منافع باشند که سود ایجاد می‌کند در حالی که مدیر عامل ممکن است بخواهد در فعالیت‌هایی برای ایجاد تعامل بهتر با کارمندان سرمایه‌گذاری کند. اگر چند سهامدار با یکدیگر اختلاف نظر داشته باشند، نوع دیگری از تضاد ممکن است ایجاد شود. این نقش حاکمیت شرکتی است که چگونگی حل و فصل این مسائل را تعریف کند.

پیامدهای حاکمیت شرکتی ضعیف:

یکی از بزرگترین اهداف این مفهوم، ایجاد سیستمی از قوانین، خط‌مشی‌ها و شیوه‌ها برای پاسخگویی شرکت است. هر بخش حاکمیتی اعم از سهامداران، هیئت‌مدیره، تیم مدیریت اجرایی و کارکنان شرکت، در قبال دیگران مسئول است، بنابراین همه آن‌ها را پاسخگو نگه می‌دارد. بخشی از این پاسخگویی این واقعیت است که هیئت‌مدیره به طور منظم اطلاعات مالی را به سهامداران گزارش می‌دهد که منعکس‌کننده اصل شفافیت راهبری شرکتی است.

هنگامی که حاکمیت شرکتی خوب کنار گذاشته می‌شود، یک شرکت در معرض خطر سقوط قرار می‌گیرد و سهامداران به شدت متضرر می‌شوند.

سخن پایانی

ساختار حاکمیت شرکتی ممکن است در شرکت‌های مختلف با هم متفاوت باشد اما بیشتر سازمان‌ها عناصر کلیدی زیر را در خود جای می‌دهند:

- با همه سهامداران باید یکسان و منصفانه رفتار شود. بخشی از این امر حصول اطمینان از آگاهی سهامداران از حقوق خود و نحوه پیاده‌سازی آن است.
- تعهدات قانونی، قراردادی و اجتماعی نسبت به ذی‌نفعان غیر سهامدار باید رعایت شود. این شامل ارتباط مستمر اطلاعات مرتبط با کارمندان، سرمایه‌گذاران، فروشندگان و اعضای جامعه است.

- هیئت مدیره باید تعهد خود را برای اطمینان از پاسخگویی، عدالت، تنوع و شفافیت در راهبری شرکتی حفظ کند. اعضای هیئت مدیره همچنین باید مهارت‌های لازم برای بررسی شیوه‌های مدیریت را داشته باشند.
- سازمان‌ها باید یک آیین‌نامه رفتاری برای اعضای هیئت مدیره و مدیران اجرایی تعریف کرده و تنها در صورتی افراد جدید را منصوب نمایند که این استانداردها را رعایت کنند.
- تمام سیاست‌ها و رویه‌های راهبری شرکتی باید شفاف باشد یا برای ذی‌نفعان مربوطه افشا شود.

یک حاکمیت شرکتی شفاف و قوی، شرکت را به سمت تصمیم‌گیری‌های اخلاقی سوق می‌دهد تا به نفع همه ذی‌نفعان باشد و به شرکت اجازه می‌دهد تا در صورتی که وضعیت مالی آن نیز سالم باشد، خود را به عنوان گزینه‌ای جذاب به سرمایه‌گذاران معرفی کند. از سوی دیگر، پیاده‌سازی بد آن منجر به فروپاشی یک شرکت می‌شود و اغلب منجر به رسوایی‌ها و ورشکستگی می‌شود.